



# مبلّغ وارسته

علی مختاری

وارسته نباشد، تلاشش شایسته نخواهد شد. ما این توصیه پیامبر گرامی را که «آیین تبلیغ» است به اختصار، تقدیم دوستان می‌کنیم. گفتنی است پیام و هدف تبلیغات، معارف دین است که به فطرت پاک انسانیت القامی شود. فطرتها در گذشته و امروز، یکسان و ثابت است، گرچه تفاوتها، دگرگونیها و تنوعهایی در نحوه اعزام، مسئولیت اهل تبلیغ، مبلّغان و نیز در مخاطب، رخ داده است.

## ۲. مُعَاذ

ابو عبدالرحمن، معاذ، فرزند جبیل، از انصار و طایفه خزرج، در

در این مقاله به توصیه‌های تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبیل می‌پردازیم؛ اما قبل از آن یادآوری چند نکته ضروری می‌نماید.

## ۱. تبلیغ، رسالت پیامبران

وظیفه اصلی پیامبران الهی تبلیغ معارف الهی است و این شرافت نصیب برخی از اصحاب پیامبران الهی نیز می‌شده است. یکی از یاران مبلّغ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز معاذ بن جبیل است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در آستانه اعزامش، توصیه‌هایی در دو محور: صفات روحانی و آموزه‌های تبلیغی بیان فرمودند. بدیهی است تا مبلّغ،

حساب خدا می گذارم.» ناگفته پیداست که نصوص فراوان قرآنی و روایی در فضیلت اهل علم، شامل مبلغان نیز می گردد.

#### ۴. آیینة عبرت

معاذ با سوابق درخشان رزمندگی، پیشتازی در ایمان، تدریس، تبلیغ، امارت، قضاوت، صحابت، هجرت‌های متعدد تبلیغی و... سرانجامی تاریک داشت. شاید سخنان پیامبر ﷺ در خاتمه سفار شها، هشدار می بود به معاذ که متأسفانه نادیده گرفته شد. رسول خدا ﷺ در پایان، ضمن تصریح به اینکه این آخرین دیدار من و تو است فرمود: بدان ای معاذ! محبوب‌ترین شما نزد من کسی است که با همین حال [و عقیده‌ای] که اکنون از هم جدا می شویم، او را ببینم.

پس از پیامبر ﷺ صدیقه طاهره از او کمک خواست؛ ولی او سر باز زد و در تحکیم طاغوت کوشید. وی در زمان دومین خلیفه از خلفای نخستین، سال هجاء هم هجری، در ۳۸ سالگی بر اثر طاعون در منطقه اردن، وفات کرد. شیخ مفید نوشته است: پس از

هجده سالگی ایمان آورد و جزء هفتاد نفری بود که پیش از هجرت در عقبه با پیامبر اکرم ﷺ بیعت کردند.

او در بسیاری از جنگها، در رکاب حضرت حاضر بود. وی در سال دهم هجری پس از جنگ تبوک به یمن اعزام شد. البته او پیشتر، نیز چند بار به عنوان مبلغ، که معمولاً سمت امارت و قضاوت داشت، به اطراف مدینه، اعزام شده بود. حضرت رسول ﷺ وی را با عبدالله بن مسعود در هنگام عقد اخوت بین اصحاب، برادر قرار داد.

#### ۳. تکریم مبلغان

هنگام هجرت تبلیغی معاذ، پیامبر ﷺ با مهاجران و انصار او را در مدینه بدرقه می کردند. این مشایعت به قدری محترمانه بود که معاذ، سواره و حضرت، پیاده در کنارش راه می رفت و او را نصیحت و راهنمایی می فرمود. معاذ، شرم‌منده شد و عرض کرد: یا رسول الله! شایسته نیست شما و اصحاب پیاده باشید و من سواره، اجازه فرمایید پیاده شوم! حضرت فرمودند: «إِنَّمَا أَحْتَسِبُ خُطَايِي هَذِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ رنج این پیاده روی را، به

نوشت: «...إِنِّي لَمْ أُبَيِّتْ عَلَيْكُمْ مُعَاذًا رَبًّا وَ  
إِنَّمَا بَعَثْتُهُ أَخًا وَ مُعَلِّمًا وَ مُنْفِذًا لِأَمْرِ اللَّهِ...»<sup>۲</sup>  
معاذ را به عنوان ارباب شما، به یمن  
اعزام نکردم، بلکه تنها او را به عنوان  
برادر، راهنما [و آموزنده معارف] و  
مجری فرمان خداوند فرستادم.»

### نکات تبلیغی

حضرت نکات مهم و کاربردی  
تبلیغی را به معاذ گوشزد کرده است که  
به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۱. آموزش قرآن

«ای معاذ: عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ»<sup>۳</sup> کتاب  
خدا را به مردم بیاموز»

حضرت در جای دیگری  
می‌فرماید: «إِنْ أَرَدْتُمْ عَيْشَ السَّعْدَاءِ وَ مَوْتَ  
الشُّهَدَاءِ، وَ النَّجَاةَ يَوْمَ الْحَشْرِ، وَ الظَّلَّ يَوْمَ  
الْحَسْرَةِ، وَ الْهُدَى يَوْمَ الضَّلَالَةِ فَادْرُسُوا  
الْقُرْآنَ، فَإِنَّهُ كَلَامُ الرَّحْمَنِ وَ حِزْرٌ مِنَ الشَّيْطَانِ  
وَ رُجْحَانٌ فِي الْمِيزَانِ»<sup>۳</sup> اگر در پی زندگی

پیامبر، حضرت زهرا علیها السلام از تمام  
اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله  
استمداد طلبید و یاری خواست، تا  
اینکه به معاذ بن جبل رسید. حضرت  
فاطمه علیها السلام فرمود: ای معاذ بن جبل! تو  
با رسول خدا صلی الله علیه و آله عهد کرده و بیعت  
نموده‌ای که دین او و خانواده‌اش را  
یاری کنی، پس چرا امروز که ما  
مظلومیم سکوت کرده و دم بر  
نمی‌آوری؟ معاذ گفت: تنها من که از  
اصحاب پیامبر نیستم و دیگران نیز با  
او پیمان بسته بودند! حضرت  
فاطمه علیها السلام فرمود: هیچ کدام به من  
پاسخ مثبت ندادند. معاذ بن جبل گفت:  
من به تنهایی نمی‌توانم تو را یاری کنم!  
حضرت زهرا ناراحت و دل  
شکسته از نزد او بیرون آمد در حالی که  
می‌فرمود: به خدا سوگند! من دیگر با  
تو سخن نخواهم گفت، تا اینکه در  
روز قیامت به پیشگاه پدرم وارد  
شویم....<sup>۱</sup>

#### ۵. نظارت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از اعزام معاذ،  
پی‌گیری و نظارت نیز داشته و به اهل  
یمن، که میزبان و مخاطب معاذ بودند

۱. الاختصاص، ص ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲. مکاتیب الرسول، ج ۱، نامه پیامبر به اهل یمن.

۳. این توصیه‌ها در منابع شیعه و سنی آمده است  
و ما از تحف العقول، ص ۲۳ و ۲۴، با تصحیح  
علی‌اکبر غفاری نقل می‌کنیم.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۲، درباره

فضیلت تعلیم قرآن کتابهای زیادی نوشته شده  
←

عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ إِهْتَمَمْتُمْ، فَلَوْ أَنَّ  
فَسَائِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِهْتَمَمْتَنِي أَمَانَةً  
لَأَدَيْتُهَا،<sup>۳</sup>

از خدا بترسید و بر شما باد به  
پرداخت امانت به کسی که شما را امین  
دانسته [و چیزی نزد شما نهاده] که به  
راستی اگر کشنده امیر مؤمنان عليه السلام  
چیزی را به رسم امانت نزد من گذارد،  
آن را خواهم پرداخت.

#### دستور العمل همه پیامبران

امام صادق عليه السلام می فرماید: «أَنَّ اللَّهَ  
عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَ  
أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ»<sup>۴</sup> به راستی که  
خدای عزیز و جلیل، پیامبری را  
بر نیگیخت، مگر با مأموریت ترویج  
صادق گفتار و پرداخت امانت [به  
صاحبش]؛ چه خوب و چه بد باشد.

است و ضمن کتب روایی نیز روایات فراوانی  
هست مثل کافی ج ۲، کتاب فضل قرآن،  
محنة البيضاء، آداب القراءة و نهج البلاغه خطبه  
۱۵۸.

۱. نساء/۵۸.

۲. مؤمنون /۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

با سعادت، مرگ با شهادت و نجات  
روز حشر، در سایه بودن در روز  
گرمای سوزان، و هدایت در روز  
ضلالت هستید، به دیگران قرآن  
بیاموزید، راستی که آن سخن خدای  
رحمان، و نگهدارنده از شیطان و مایه  
سنگینی میزان است.

#### ۲. ادای امانت

«وَأَدِّ إِلَيْهِمُ الْأَمَانَةَ فِي كُلِّ قَلِيلٍ وَكَثِيرٍ؛

امانت آنها را کم یا بیش بدانها بپرداز.»  
ادای امانت یکی از صفات بارز  
مؤمنین است که خداوند به آن امر  
فرموده است: «أَنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا  
الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا»<sup>۱</sup>؛ «خداوند به شما  
فرمان می دهد که امانتها را به  
صاحبانش بدهید...»

هر چه در اختیار انسان است  
امانت است. امانتداری معنای وسیعی  
دارد که شامل امانات مادی و معنوی  
می شود.

نیز می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ  
وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»<sup>۲</sup>؛ «و آنها که امانتها و  
عهد خود را رعایت می کنند.»

#### اهمیت ادای امانت

امام صادق عليه السلام فرمود: «إِنَّ قَوْلَ اللَّهِ وَ

## ۳. رفق و مدارا

«وَعَلَيْكَ بِالرَّفْقِ وَالْعَفْوِ فِي غَيْرِ تَرْكٍ  
لِلْحَقِّ يَقُولُ الْجَاهِلُ قَد تَرَكْتُ مِنْ حَقِّ اللَّهِ»

بر تو باد نرمش و گذشت در غیر  
مورد ترک حق که نادان بگوید حق خدا  
را ترک نمودی.»

مدارا کردن به معنای ملاحظت و  
نرمی و ملایمت، و سازگاری و رفق، و  
به اصطلاح روز، تحمل دیگران است.  
شاعر پارسی زبان گوید:

به مدارا دل تو نرم کنم آخر کار

به درم نرم کنم گر به مدارا نشود

نظامی گنجوی نیز گوید:

مدارا کن که خوی چرخ تند است

به همت رو که پای عمر کند است

مدارا و گذشت جذب کننده

دیگران به دین است و لذا خداوند به

پیامبرش ﷺ می فرماید: «فِيمَا رَحِمَةٍ مِنْ

اللَّهِ لِنْتُ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ

لَهُمْ...»<sup>۱</sup>

«به (برکت) رحمت الهی، در برابر

آنان نرم شدی، و اگر خشن و سنگدل

بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.

پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش

## بطلب...»

البته گذشت در چهارچوب تدبیر  
امور عامه است، اما احکام الهی

مشورت بردار نیست، پس عفو و

گذشت شامل حدود شرعی و امثال آن

نمی شود. پیامبر ﷺ فرمود: «ثَلَاثٌ مَنْ

لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَمِّمْ لَهُ عَمَلٌ، وَرَعَّ يَخْجُزُهُ عَنِ

مَعَاصِي اللَّهِ، وَخُلِقَ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ، وَجَلَّمَ

يُرَدُّ بِهِ جَهْلُ الْجَاهِلِ»<sup>۲</sup> سه چیز است که

اگر در کسی نبود کارش به پایان نرسد:

ورع و پارسایی که او را از نافرمانیهای

خدا باز دارد، خلق و خوئی که بدان با

مردم مدارا کند، بردباری و حلمی که

بدان جهل جاهل را دفع کند.»

## مدارا در نماز جماعت

امیر مؤمنان ﷺ در نامه ای به مالک

اشتر نخعی می فرماید: هنگامی که نماز

جماعت می خوانی با طولانی کردن

نماز، مردم را پراکنده مکن و همچنین

با سرعت زیاد آن را تباه مساز؛ زیرا در

میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی

وجود دارد. پیامبر ﷺ مرا به یمن

فرستاد، از او پرسیدم: چگونه با مردم

۱. آل عمران/۱۵۹.

۲. اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۱.

نماز بخوانم؟

فرمودند: در حد ناتوان‌ترین آنها،  
و بر مؤمنان مهربان باش!<sup>۱</sup>

۴. گذشت

«وَاعْتَذِرْ إِلَىٰ أَهْلِ عَمَلِكَ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ  
خَشِيتُ أَنْ يَقَعَ إِلَيْكَ مِنْهُ عَيْبٌ حَتَّىٰ يُعَذَّرَكَ؛  
از کارمندان خود در هر چه  
می‌ترسی دچار عیبی شوی پوزش  
طلب تا تو را معذور دارند.»  
عذرخواهی و پذیرش عذر دیگران  
اخلاق حسنه‌ای است. گرچه انسان از  
کاری که موجب عذرخواهی می‌شود  
باید اجتناب کند؛ ولی گاهی ناخواسته  
برخی اشتباهات پیش می‌آید. البته  
عذرخواهی زمانی درست است  
که قابل جبران باشد. رسول خدا ﷺ  
می‌فرماید: «شَرُّ الْمَغْذِرَةِ حِينَ يَخْضُرُ  
الْمَوْتُ؛<sup>۲</sup> بدترین عذرخواهیها آن است  
که هنگام مرگ انجام پذیرد.» البته اگر  
انسان در انجام مأموریت خود تلاش  
کرد، اما آن‌طور که شایسته بود  
نستوانست و وظیفه‌اش را انجام دهد،  
اعتراف به کوتاهی یا عدم توانایی بیش  
از این، خود عذرخواهی است. امام  
علی علیهما السلام می‌فرماید: «الْأَقْرَبُ بِالذَّنْبِ

الْأَسْتِذَارُ؛ اعتراف به گناه خود  
عذرخواهی است.»<sup>۳</sup>

### عذرخواهی نابجا

امیرمؤمنان علی علیهما السلام فرمود: «لَا  
تَعْتَذِرُ مِنْ أَمْرِ أَطَعْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فِيهِ؛<sup>۴</sup> از  
کاری که با آن خدای سبحان را فرمان  
برده‌ای عذرخواهی مکن.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید:  
«مَنْ اعْتَذَرَ مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ فَقَدْ أَوْجَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ  
الذَّنْبَ؛<sup>۵</sup> هرکسی بدون ارتکاب گناهی  
عذرخواهی کند، خود را گناهکار  
قلمداد کرده است.»



۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. مستدرک الوسائل؛ ج ۲، ص ۱۰۴.

۳. غررالحکم، ص ۱۹۵.

۴. غررالحکم، ح ۳۴۱۴.

۵. غررالحکم، ح ۱۰۲۵۰.